

Appendix Two:

The 96 stimuli sentences with the English glosses and the true/false statement

Farsi 01 a

نازنین این کتابچه رو قبل از اینکه بخونه به من داد درست همون موقع که تازه کلاسها تموم شده . _بود
N هنوز نازنین اون کتابچه رو به من نداده ؟

Farsi 01 b

نازنین این کتابچه رو قبل از اینکه اونو بخونه به من داد درست همون موقع که تازه کلاسها تموم شده . _بود
N هنوز نازنین اون کتابچه رو به من نداده ؟

Farsi 01 c

نازنین این کتابچه رو که هفته پیش خریده بود قبل از اینکه بخونه به من داد درست همون موقع که تازه کلاسها تموم شده . _بود
Y نازنین حدودا هفت روز پیش این کتابچه رو خریده بود ؟

Farsi 01 d

نازنین این کتابچه رو که هفته پیش خریده بود قبل از اینکه اونو بخونه به من داد درست همون موقع که تازه کلاسها تموم شده . _بود
Y نازنین حدودا هفت روز پیش این کتابچه رو خریده بود ؟

Naza nin	in	ketabc he	ro	ke	Haft- ye	pis h	Kharid -e	bood	Ghabl az Inkeh
Naza nin	thi s	bookl et	O M	whi ch	Week- EZ	last	Bough t-3S	Have- 3S	Before

Un -o	bekho oneh	B e	m an	dad	dor ost	ham oon	mo ghe	ke	taze	Kel as- ha	tamo om	shod e	Bo od
Th at- O M	read	t o	m e	Ga ve- 3S	just	that	tim e	th at	rece ntly	Cla ss- PL	finis h	Beca me- 3S	Wa s- 3s
Nazanin gave me this booklet which she has bought last week, before reading it, just when the classes have finished.													

Farsi 02 a

سروناز این گلدون رو بدون اینکه آب بده گذاشت تو حیاط، تا فردا صبح زود آبش. بده
N اول سروناز گلدون رو آب داد بعد اونو گذاشت تو. حیاط ?

Farsi 02 b

سروناز این گلدون رو بدون اینکه اونو آب بده گذاشت تو حیاط، تا فردا صبح زود آبش. بده
N اول سروناز گلدون رو آب داد بعد اونو گذاشت تو. حیاط ?

Farsi 02 c

سروناز این گلدون رو که استادش بهش داده بود بدون اینکه آب بده گذاشت تو حیاط، تا فردا صبح زود آبش. بده
Y این گلدون هدیه ایی بود از طرف استادش به. سروناز ?

Farsi 02 d

سروناز این گلدون رو که استادش بهش داده بود بدون اینکه اونو آب بده گذاشت تو حیاط، تا فردا صبح زود آبش
_ بده.

Y این گلدون هدیه ایی بود از طرف استادش به سروناز ?

Sarvenaz	in	goldoon	ro	ke	Ostad-esh	Beh-esh	dadeh	bood	Bedoone inke
Sarvenaz	this	vase	OM	that	Teacher-3S.PC	To-3S.PC	Gave-3S.PC	had	Without
Sarvenaz put this vase which her teacher has given her in the yard without watering, to water it tomorrow early in the morning.									

Un-o	ab	bede	gozasht	too	hayat	ta	farda	Sobh-e
That-OM	water	Give-3S	Put-3S	in	yard	until	tomorrow	Morning-EZ

Zoo d	Ab-esh	Bed-e
early	Water-3S.PC	Give-3S

Farsi 03 a

ساناز اون پیانو رو قبل از اینکه کوک کنه برد خونه ی جدیدش، تا مجبور نشه دوبار برای کوکش هزینه _کنه
N ساناز هنوز هم پیانو رو با خودش به خونه جدیدش _نبرده ؟

Farsi 03 b

ساناز اون پیانو رو قبل از اینکه اونو کوک کنه برد خونه ی جدیدش، تا مجبور نشه دوبار برای کوکش هزینه _کنه
N ساناز هنوز هم پیانو رو با خودش به خونه جدیدش _نبرده ؟

Farsi 03 c

ج ساناز اون پیانو رو که یادگاری پدرش بود قبل از اینکه کوک کنه برد خونه ی جدیدش، تا مجبور نشه 3.
دوبار برای کوکش هزینه _کنه
N ساناز اون پیانو رو چند سال بعد از فوت پدرش _خرید ؟

Farsi 03 d

ساناز اون پیانو رو که یادگاری پدرش بود قبل از اینکه اونو کوک کنه برد خونه ی جدیدش، تا مجبور نشه دوبار
برای کوکش هزینه _کنه
N ساناز اون پیانو رو چند سال بعد از فوت پدرش _خرید ؟

sanaz	oon	piano	ro	ke	Yadegari-ye	Pedar-esh	bood	Ghabl az inke	Un-o
sanaz	that	piano	OM	that	Memory-EZ	Father-3S.PC	was	before	That-OM
Sanaz moved that piano which was her father's token to her new house before having it tuned up, not to spend money twice for its tuning.									

kook	Kon-e	bord	Khoone-ye	Jaded-esh	ta	majboor	nashe	do	Bar
Tune up	Do-3S	Took-3S	House-EZ	New-3S.PC	so	force	NEG-be	two	Times

baraye	kookesh	Hazineh	Kon-e
for	Tune up-3S.PC	cost	Do-3S

Farsi 04 a

ثریا اون بشقاب رو قبل از اینکه بشوره گذاشت تو کابینت، تا کسی اونو. نیبینه
Y ثریا بشقاب کثیف رو گذاشت تو. کابینت ؟

Farsi 04 b

ثریا اون بشقاب رو قبل از اینکه اونو بشوره گذاشت تو کابینت، تا کسی اونو. نیبینه
Y ثریا بشقاب کثیف رو گذاشت تو. کابینت ؟

Farsi 04 c

ثریا اون بشقاب رو که ترک خورده بود قبل از اینکه بشوره گذاشت تو کابینت، تا کسی اونو. نیبینه
Y ثریا بشقاب کثیف رو گذاشت تو. کابینت ؟

Farsi 04 d

ثریا اون بشقاب رو که ترک خورده بود قبل از اینکه اونو بشوره گذاشت تو کابینت، تا کسی اونو. نیبینه
Y ثریا بشقاب کثیف رو گذاشت تو. کابینت ؟

soraya	oon	boshghab	ro	ke	tarak	Khord-e	bood	Ghabl az inke	Un-o
soraya	that	plate	OM	that	crack	ate-3S	Was- 3S	before	That- OM
Soraya put that plate which was cracked in the cup board so that nobody sees that.									

Beshor-e	gozasht	too	kabinet	ta	Kasi	uno	Nabin-e
Wash-3S	Put-3S	in	Cup board	so	somebody	that	NEG-see-3S

Farsi 05 a

پویا این ساعت رو بعد از اینکه به پدرش نشون داد به من هدیه کرد، ولی به مادرش چیزی _ نگفت
N پویا بدون اینکه به کسی چیزی بگه این ساعت رو به من هدیه _ داد ؟

Farsi 05 b

پویا این ساعت رو بعد از اینکه اونوبه پدرش نشون داد به من هدیه کرد، ولی به مادرش چیزی _ نگفت
N پویا بدون اینکه به کسی چیزی بگه این ساعت رو به من هدیه _ داد ؟

Farsi 05 c

پویا این ساعت رو که گرون قیمت هم هست بعد از اینکه به پدرش نشون داد به من هدیه کرد، ولی به مادرش چیزی _ نگفت
N پویا به ساعت گرون قیمت برای مادرش هدیه _ خریده ؟

Farsi 05 d

پویا این ساعت رو که گرون قیمت هم هست بعد از اینکه اونو به پدرش نشون داد به من هدیه کرد، ولی به مادرش چیزی _ نگفت
N پویا به ساعت گرون قیمت برای مادرش هدیه _ خریده ؟

pooya	in	saat	ro	ke	geroon	gheymat	ham	hast	Bad az inke
pooya	this	Watch	OM	which	expensive	price	also	is-3S	After
Pooya gifted me this watch which is expensive, after showed it to his father, but did not tell anything to his mother.									

Un-o	uno	be	Pedar-esh	neshoon	dad	be	man	hedye	kard
That-OM	that	to	Father-3S.PC	show	Did-3P	to	me	gift	Did-3S

vali	Be	Madar-esh	Chiz-i	Na-goft
but	to	Mother-3S.PC	Something-IND	NEG-said

Farsi 06 a

بهنام این نقاشی رو وقتی قاب میکرد به من نشون داد تا بعدا شگفت زده . _نشم
N بهنام اصلا این نقاشی رو به کسی نشون . _ نداده ؟

Farsi 06 b

بهنام این نقاشی رو وقتی اونو قاب میکرد به من نشون داد تا بعدا شگفت زده . _نشم
N بهنام اصلا این نقاشی رو به کسی نشون . _ نداده ؟

Farsi 06 c

بهنام این نقاشی رو که برای مادرم کشیده وقتی قاب میکرد به من نشون داد تا بعدا شگفت زده . _نشم
N بهنام این تابلو رو برای من نقاشی . _ کرده ؟

Farsi 06 d

بهنام این نقاشی رو که برای مادرم کشیده وقتی اونو قاب میکرد به من نشون داد تا بعدا شگفت زده . _نشم
N بهنام این تابلو رو برای من نقاشی . _ کرده ؟

Behnam	in	naghashi	ro	ke	baraye	Madar-am	Keshid-e	vaghti	Un-o
Behnam	this	painting	OM	that	for	Mother-1S	Painted-3S	when	That-OM
Behnam showed me the painting which he has painted for mother when he was framing that so I do be astonished later.									

ghab	mi-kard	Be	man	neshoon	dad	ta	badan	Shageft zadeh	Na-sh-am
frame	DUR-did	to	me	show	did	so	later	astonished	NEG-be-1S

Farsi 07 a

پدربزرگ نیما نوه اش رو به محض اینکه دید شناخت و از خوشحالی اشکهای سرزیر . _ شد
N پدربزرگ نیما تا حالا اصلا نوه اش رو _ ندیده ؟

Farsi 07 b

پدربزرگ نیما نوه اش رو به محض اینکه اونو دید شناخت و از خوشحالی اشکهای سرزیر . _ شد
N پدربزرگ نیما تا حالا اصلا نوه اش رو _ ندیده ؟

Farsi 07 c

پدربزرگ نیما که حدودا هفتاد و پنج سالشه نوه اش رو به محض اینکه دید شناخت و از خوشحالی اشکهای سرزیر . _ شد
N پدربزرگ نیما حدودا شصت . _ سالشه ؟

Farsi 07 d

پدربزرگ نیما که حدودا هفتاد و پنج سالشه نوه اش رو به محض اینکه اونو دید شناخت و از خوشحالی اشکهای سرزیر . _ شد
N پدربزرگ نیما حدودا شصت . _ سالشه ؟

Pedarbozorg-e	nima	ke	hodoodan	haftad	O	panj	Sale-sh-e	Nave-ash
Grand father-EZ	nima	that	roughly	seventy	and	five	Year-3S.PC-is	Garndson-3S.PC
Nima's grand father, who is about 75 years old, recognized his grandchild as soon as saw him and his happy tears fell down.								

ro	Be Mahz-e inke	Un-o	did	shenakht	va	az	Khoshhal-i	Ashk-ha-sh	sarazir	Shod
OM	As soon as	Him-OM	Saw-3S	Recognized-3S	and	fro m	Happy-NOM	Tear-PL-3S.PC	Fall down	Did-3S

Farsi 08 a

معلم تاریخ اون نامه رو به محض اینکه خوند پاره کرد و توی سطل آشغال _ انداخت
N معلم تاریخ اون نامه رو نخونده پاره _ کرد ؟

Farsi 08 b

معلم تاریخ اون نامه رو به محض اینکه اون رو خوند پاره کرد و توی سطل آشغال _ انداخت
N معلم تاریخ اون نامه رو نخونده پاره _ کرد ؟

Farsi 08 c

معلم تاریخ اون نامه رو که پرنیان نوشته بود به محض اینکه خوند پاره کرد و توی سطل آشغال _ انداخت
N معلم تاریخ نامه ی مهتاب رو نخونده پاره _ کرد ؟

Farsi 08 d

معلم تاریخ اون نامه رو که پرنیان نوشته بود به محض اینکه اون رو خوند پاره کرد و توی سطل آشغال _ انداخت
N معلم تاریخ نامه ی مهتاب رو نخونده پاره _ کرد ؟

Moalem-e	Tarikh	oon	name	ro	ke	Parnian
Teacher-EZ	History	that	letter	OM	that	Parnian
The history teacher torn up the letter that parnian has written as soon as he read that and throw that to the dust bin.						

Nevesht-e	boob	Be mahz inke	Un-o	unro	khoond	pare	kard	va	tooye
Wrote-3S	Did-3S	As soon as	That-OM	that	Read-3S	Tear up	Did-3S	and	In-EZ

Satl-e	Ashghal	andakht
Bin-EZ	trash	Throw-3S

Farsi 09 a

آناهیتا اون دسته گل رو بدون اینکه حتی بو کنه به نامزدش پس داد و از دفتر کارش بیرون رفت
N آناهیتا دسته گل نامزدش رو با خوشحالی گرفت ؟

Farsi 09 b

آناهیتا اون دسته گل رو بدون اینکه حتی اونوبو کنه به نامزدش پس داد و از دفتر کارش بیرون رفت
N آناهیتا دسته گل نامزدش رو با خوشحالی گرفت ؟

Farsi 09 c

آناهیتا اون دسته گل رو که عطرش آدم رو محصور میکرد بدون اینکه حتی بو کنه به نامزدش پس داد و از دفتر کارش بیرون رفت
Y دسته گل نامزد آناهیتا خیلی خوش بو بود ؟

Farsi 09 d

آناهیتا اون دسته گل رو که عطرش آدم رو محصور میکرد بدون اینکه حتی اونوبو کنه به نامزدش پس داد و از دفتر کارش بیرون رفت
Y دسته گل نامزد آناهیتا خیلی خوش بو بود ؟

Anahita	oon	daste	gol	ro	ke	Atr-e-sh	adam	ro	mahsoor
Anahita	that	bunch	flower	OM	that	Aroma-EZ-3S.PC	person	OM	amaze
Anahita returned back the bucket of flowers whose aroma has amazed everybody to her fiancé without even smelling that and left his office.									

mi-kard	Bedoone inke	hata	Un-o	boo	kone	be	Namzad-esh	pas	Dad
DUR-did	without	even	That-OM	smell	do	to	Fiancé-3S.PC	return	Did-3S

va	az	Daftar-e	Kar-esh	biroon	raft
and	from	Office-EZ	Work-3S.PC	out	went

Farsi 10 a

چشم پزشکی عینک کاووس رو بعد از اینکه با دستگاه چک کرد توی جعبه گذاشت و به کاووس پس داد.

Y کاووس عینکش رو پیش چشم پزشکی برد تا اونو چک کنه ؟

Farsi 10 b

چشم پزشکی عینک کاووس رو بعد از اینکه اونو با دستگاه چک کرد توی جعبه گذاشت و به کاووس پس داد.

Y کاووس عینکش رو پیش چشم پزشکی برد تا اونو چک کنه ؟

Farsi 10 c

چشم پزشکی عینک کاووس رو که تازه سفارش داده بود بعد از اینکه با دستگاه چک کرد توی جعبه گذاشت و به کاووس پس داد.

Y کاووس برای چک کردن عینک جدیدش پیش چشم پزشکی رفته بود ؟

Farsi 10 d

چشم پزشکی عینک کاووس رو که تازه سفارش داده بود بعد از اینکه اونو با دستگاه چک کرد توی جعبه گذاشت و به کاووس پس داد.

Y کاووس برای چک کردن عینک جدیدش پیش چشم پزشکی رفته بود ؟

Cheshm pezeshk	Eynak-e	Kavoos	ro	ke	taze	sefaresh	dade	bood	Bad az inke
Optometrist	Glasses- EZ	Kavoos	OM	that	recently	order	Gave- 3S	did	After
The optometris put Kavoos's new glasses into its box and returned it back to him after Chacking that with a machine.									

Un-o	oono	ba	dastgah	chek	kard	tooye	Jabe- ash	gozasht	va
That- OM	that	with	machine	check	Did- 3S	In-EZ	Box- 3S.PC	put	and

be	Kavoos	pas	dad
to	Kavoos	return	Did-3S

Farsi 11 a

مستاجر جدید سطل آشغال را بدون اینکه تمیز کنه سر جاش گذاشت و حتی درش رو هم _ نیست
Y مستاجر جدید سطل آشغال رو تمیز _ نکرد ؟

Farsi 11 b

مستاجر جدید سطل آشغال را بدون اینکه اونو تمیز کنه سر جاش گذاشت و حتی درش رو هم _ نیست
Y مستاجر جدید سطل آشغال رو تمیز _ نکرد ؟

Farsi 11 c

مستاجر جدید سطل آشغال را که خیلی بوی بدی میداد بدون اینکه تمیز کنه سر جاش گذاشت و حتی درش رو هم _ نیست
Y وقتی مستاجر جدید سطل آشغال رو گذاشت سر جاش هنوز کثیف _ بود ؟

Farsi 11 d

مستاجر جدید سطل آشغال را که خیلی بوی بدی میداد بدون اینکه اونو تمیز کنه سر جاش گذاشت و حتی درش رو هم _ نیست
Y وقتی مستاجر جدید سطل آشغال رو گذاشت سر جاش هنوز کثیف _ بود ؟

Mostajer-e	jadid	Satl-e	ashghal	ro	ke	kheyli	Booy-e	Bad-i	mi-dad
Tenant-EZ	new	Bin-EZ	dust	OM	that	very	Smell-EZ	Bad-NOM	DUR-gave-3S
The new tenant put back the dust bin which had a very bad smell without even cleaning it and closing its cap.									

Bedoone inke	Un-o	uno	tamiz	Kon-e	Sar-e	Ja-sh	gozasht	va
without	That-OM	that	clean	Do-3S	its-EZ	Place-3S.PC	Put-3S	and

Hatta	Dar-e-sh	ro	ham	nabast
Even	Cap-EZ-3S.PC	OM	also	NEG-close-3S

Farsi 12 a

وقتی برای خشایار کمانچه خریدن حداقل روزی دو ساعت تمرین میکرد تا از خواهرش جلو. بزنه
Y خشایار هر روز مشتاقانه کمانچه تمرین. میکنه ؟

Farsi 12 b

وقتی برای خشایار کمانچه خریدن حداقل روزی دو ساعت اونو تمرین میکرد تا از خواهرش جلو. بزنه
Y خشایار هر روز مشتاقانه کمانچه تمرین. میکنه ؟

Farsi 12 c

وقتی برای خشایار که تازه ده سالش شده بود کمانچه خریدن حداقل روزی دو ساعت تمرین میکرد تا از خواهرش جلو. بزنه
N خشایار از سیزده سالگی شروع کرد به تمرین. کمانچه ؟

Farsi 12 d

وقتی برای خشایار که تازه ده سالش شده بود کمانچه خریدن حداقل روزی دو ساعت اونو تمرین میکرد تا از خواهرش جلو. بزنه
N خشایار از سیزده سالگی شروع کرد به تمرین. کمانچه ؟

vaghti	baraye	Khashayar	ke	taze	dah	Sal-esh	Shod-e	bood	Kamanche
when	for	Khashayar	who	just	ten	Yrer-3S	Has-EZ	Been-3S	Kamanche
When they bough Kamanche for Khashayar who has just got 10 years old, he practiced with that at least two hours a day to over perform her sister.									

kharidan	hadeaghal	Rooz-i	do	saat	Un-o	uno	tamrin	mi-kard	ta
Bought-3P	At least	Day-IND	two	hour	That-OM	that	practice	DUR-did-3D	to

Az	Khahar-esh	jelo	Bezan-e
From	Sister-3S.PC	forward	Be-3S

Farsi 13 a

وقتی امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو تموم کرد من هنوز شروع هم نکرده بودم و از بابت دلهره __ داشتم
N من زودتر از امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو تموم __ کردم ؟

Farsi 13 b

وقتی امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو تموم کرد من هنوز اونو شروع هم نکرده بودم و از بابت دلهره __ داشتم
N من زودتر از امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو تموم __ کردم ؟

Farsi 13 c

وقتی امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو که یکی از کارهای گارسیا مارکز بود تموم کرد من هنوز شروع هم نکرده بودم و از بابت دلهره __ داشتم
N امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو هنوز تموم __ نکرده ؟

Farsi 13 d

وقتی امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو که یکی از کارهای گارسیا مارکز بود تموم کرد من هنوز اونو شروع هم نکرده بودم و از بابت دلهره __ داشتم
N امیر نوشتن خلاصه اون داستان رو هنوز تموم __ نکرده ؟

vaghti	amir	Neveshtan-e	Kholase-ye	un	dastan	ro	ke	yeki	Az
when	amir	Writing-EZ	Summary-EZ	that	story	OM	which	One-IND	From
When Amir finished summarizing that story which was one of the works of Garsia Marquez, I have not even started that and was worried about it.									

Kar-ha-ye	Garsia Marquez	bood	tammom	kard	man	hanooz	Un-o	uno	shoroo
Work-PL-EZ	Garsia Marquez	Was-3S	finish	did	I	yet	That-OM	that	begin

Ham	Nakard-e	Bood-am	va	az	in	babat	delhore	Dasht-am
Even	NEG-did-3S	Did-1S	and	from	this	regard	anxious	Had-1S

Farsi 14 a

سالها پیش بنفشه عادت داشت قورباغه ها رو با دست بگیره و تو حوض بندازه و بهشون خیره . _بشه
N بنفشه تا حالا به یه قورباغه هم دست _ نزده ؟

Farsi 14 b

سالها پیش بنفشه عادت داشت قورباغه ها رو با دست بگیره و اونها رو تو حوض بندازه و بهشون خیره . _بشه
N بنفشه تا حالا به یه قورباغه هم دست _ نزده ؟

Farsi 14 c

سالها پیش بنفشه همون دختری که موهاش فرفری بود عادت داشت قورباغه ها رو با دست بگیره و تو حوض
بندازه و بهشون خیره . _بشه
Y اسم این دختر مو فرفری بنفشه _ است؟

Farsi 14 d

سالها پیش بنفشه همون دختری که موهاش فرفری بود عادت داشت قورباغه ها رو با دست بگیره و اونها رو تو
حوض بندازه و بهشون خیره . _بشه
Y اسم این دختر مو فرفری بنفشه _ است ؟

Sal-ha	pish	banafshe	hamoon	Dokhtar-i	ke	Moo-ha-sh	ferferi	bood	Adat
Year-PL	back	banafshe	the	Girl-IND	who	Hair-PL-3S.PC	curly	Was-3S	Habit
Years ago banafshe, the girl with curly hair, used to catch the frogs with her hands and throw them in the pool and gaze at them.									

dasht	Ghoorbage-ha	ro	ba	dast	Begir-e	va	Oon-ha	ro	Too
did	Frog-PL	OM	with	hand	Catch-3S	and	That-PL	OM	In

hoz	Bendaz-e	va	Behesh-oon	khire	Besh-e
Little pool	Throw-3S	and	To-it-PL	gaze	Do-3S

Farsi 15 a

روزنامه نگار همچنان که سرگرم تایپ کردن مقاله اش بود همزمان ویرایش هم میکرد تا زودتر کارش را تمام کند

Y روزنامه نگار همزمان مقاله اش را هم تایپ می کرد و هم ویرایش ؟

Farsi 15 b

روزنامه نگار همچنان که سرگرم تایپ کردن مقاله اش بود همزمان آنرا ویرایش هم میکرد تا زودتر کارش را تمام کند

Y روزنامه نگار همزمان مقاله اش را هم تایپ می کرد و هم ویرایش ؟

Farsi 15 c

روزنامه نگار که تازه استخدام شده بود همچنان که سرگرم تایپ کردن مقاله اش بود همزمان ویرایش هم میکرد تا زودتر کارش را تمام کند

Y روزنامه نگار همزمان مقاله اش را هم تایپ می کرد و هم ویرایش ؟

Farsi 15 d

روزنامه نگار که تازه استخدام شده بود همچنان که سرگرم تایپ کردن مقاله اش بود همزمان آنرا ویرایش هم میکرد تا زودتر کارش را تمام کند

Y روزنامه نگار همزمان مقاله اش را هم تایپ می کرد و هم ویرایش ؟

Rooznam e negar	ke	taze	estekhda m	Shod -e	bood	hamchena n	ke	Sargar m-e	Typ- e
journalist	wh o	recentl y	hire	Has- EZ	Been -3S	while	tha t	Busy- EZ	Type -EZ
As the journalist who has been recently hired was typing his article he was simultaneously editing that to finish his job faster.									

Maghale -ash	bood	hamzaman	An- ra	virayesh	ha m	mi- kard	ta	Zood- tar	Kar- esh
Article- 3S.PC	Was -3S	simultaneou sly	That -OM	edit	also	DUR -did- 3S	t o	Early- COMP R	Work - 3S.P C

ra	tamam	Kona-d
OM	finish	Do-3S

Farsi 16 a

مهندس نیلیپور اون دستگاه برش رو قبل از اینکه کنترل کنه روشن کرد و از کارگاه رفت. بیرون
Y مهندس اون دستگاه برش رو کنترل نکرده روشن. کرد ؟

Farsi 16 b

مهندس نیلیپور اون دستگاه برش رو قبل از اینکه اونو کنترل کنه روشن کرد و از کارگاه رفت. بیرون
Y مهندس اون دستگاه برش رو کنترل نکرده روشن. کرد ؟

Farsi 16 c

مهندس نیلیپور اون دستگاه برش رو که تازه تعمیر شده بود قبل از اینکه کنترل کنه روشن کرد و از کارگاه
رفت. بیرون
Y مهندس اون دستگاه برش رو کنترل نکرده روشن. کرد ؟

Farsi 16 d

مهندس نیلیپور اون دستگاه برش رو که تازه تعمیر شده بود قبل از اینکه اونو کنترل کنه روشن کرد و از کارگاه
رفت. بیرون
Y مهندس اون دستگاه برش رو کنترل نکرده روشن. کرد ؟

Mohandes	nili pour	un	Dastgah- e	boresh	ro	ke	taze	tamir	Shod- e
Engineer	nili pour	that	Machine- EZ	cutting	OM	which	recently	repair	Has- EZ
Nilipour, the engineer, switched on the cutting machines which has been recently repaired with out controlling it and left the workshop.									

bood	Ghab az inke	Un-o	uno	kontorol	Kon-e	uno	roshan	Kard-	va
Been- 3S	before	That- OM	that	control	Do-3S	that	Turn on	Did-3S	and

az	Kargah	Raft	biroon
from	Workshop	Went- 3S	out

Farsi 17 a

پژمان عادت داشت هر شب دندونهایش رو مسواک بزنه وبا دهانشویه بشوره بعدش بره . _ بخوابه
N خیلی شب ها پژمان مسواک نزده _ می خوابه ؟

Farsi 17 b

پژمان عادت داشت هر شب دندونهایش رو مسواک بزنه واونا روبا دهانشویه بشوره بعدش بره . _ بخوابه
N خیلی شب ها پژمان مسواک نزده _ می خوابه ؟

Farsi 17 c

پژمان که تازه رفته بود کلاس اول عادت داشت هر شب دندونهایش رو مسواک بزنه وبا دهانشویه بشوره بعدش
بره . _ بخوابه
N خیلی شب ها پژمان مسواک نزده _ می خوابه ؟

Farsi 17 d

پژمان که تازه رفته بود کلاس اول عادت داشت هر شب دندونهایش رو مسواک بزنه واونا رو با دهانشویه بشوره
بعدش بره . _ بخوابه
N خیلی شب ها پژمان مسواک نزده _ می خوابه ؟

pejman	ke	taze	Raft-e	bood	Kelas-e	aval	adat	dasht	har
pejman	who	recently	Went-EZ	Did-3S	grade-EZ	fisrt	habit	Had-3S	every
Pejman who has just entered the first grade was used to brush his teeth every night and clean them with mouth washing liquid and then go to bed.									

shab	dandoon-ha-sh	ro	mesvak	Bezan-e	va	Un-a	ro	ba	dahanshooye
night	Teeth-PL-3S.PC	OM	brush	Do-3S	and	That-PL	OM	with	Mouth washing liquid

Beshoor-e	badesh	Ber-e	Be-khab-e
Wash-3S	then	Go-3S	IMP-Sleep-3S

Farsi 18 a

سالها پیش سپهر نسخهء دستنویس کتابش رو قبل از اینکه چاپ کنه به من هدیه کرده بود اون موقع من بیست و شش سالم بود
 Y سپهر کتابش رو به من هدیه کرده ؟

Farsi 18 b

سالها پیش سپهر نسخهء دستنویس کتابش رو قبل از اینکه اونو چاپ کنه به من هدیه کرده بود اون موقع من بیست و شش سالم بود
 Y سپهر کتابش رو به من هدیه کرده ؟

Farsi 18 c

سالها پیش سپهر نسخهء دستنویس کتابش رو که یک مجموعهء شعر بود قبل از اینکه چاپ کنه به من هدیه کرده بود اون موقع من بیست و شش سالم بود
 Y سپهر کتاب شعرش رو به من هدیه کرده ؟

Farsi 18 d

سالها پیش سپهر نسخهء دستنویس کتابش رو که یک مجموعهء شعر بود قبل از اینکه اونو چاپ کنه به من هدیه کرده بود اون موقع من بیست و شش سالم بود
 Y سپهر کتاب شعرش رو به من هدیه کرده ؟

Sal-ha	pish	sepehr	Noskhe ye Dastnevis-e	Ketab-esh	ro	ke	yek	Majmooe-ye
Year-PL	back	sepehr	Volume-EZ-Manuscript-EZ	Book-3S.PC	OM	which	a	Collection-EZ
Years ago Sepehr has dedicated to me the hand written version of his book which was a collection of poems, at that time I was 26 years old.								

sher	bood	Ghab az inke	Un-o	uno	chap	Kon-e	be	man	hedye
poem	Was-3S	before	That-OM	that	publish	Do-3S	to	me	gift

Kard-e	bood	un	moghe	man	Bist-o shish	Sal-am	bood
Did-EZ	Did-3S	that	time	I	20-and-6	Age-1S	Was-1S

Farsi 19 a

مروارید اون پیراهن رو بدون اینکه پُرُو کنه خرید و از مغازه بیرون. _ رفت
 Y مروارید اون پیراهن رو بدون اینکه بپوشه. _ خرید ?

Farsi 19 b

مروارید اون پیراهن رو بدون اینکه اونو پُرُو کنه خرید و از مغازه بیرون. _ رفت
 Y مروارید اون پیراهن رو بدون اینکه بپوشه. _ خرید ?

Farsi 19 c

مروارید اون پیراهن روکه از ابریشم و کتون بود بدون اینکه پُرُو کنه خرید و از مغازه بیرون. _ رفت
 Y مروارید اون پیراهن رو بدون اینکه بپوشه. _ خرید ?

Farsi 19 d

مروارید اون پیراهن روکه از ابریشم و کتون بود بدون اینکه اونو پُرُو کنه خرید و از مغازه بیرون. _ رفت
 Y مروارید اون پیراهن رو بدون اینکه بپوشه. _ خرید ?

Morvarid	un	pirahan	ro	ke	az	abreosham	va	katoon	bood
Morvarid	that	dress	OM	which	from	silk	and	cotton	Was-3S
Morvarid bought that dress which was made of cotton and silk without trying it and left the shop.									

Bedoone inke	uno	porov	Kon-e	Kharid-	va	az	maghaze	biroon	raft
without	that	try	di-3S	Bought-3S	and	from	shop	out	Went-3S

Farsi 20 a

بعد از تموم شدن تکنوازی تار فراز اون دسته گل رز سفید روکه تماشاچیان بهش هدیه داده بودند به استادش تقدیم کرد و از صحنه خارج شد
Y در نهایت اون دسته گل نصیب استاد فراز شد ؟

Farsi 20 b

بعد از تموم شدن تکنوازی تار فراز اون دسته گل رز سفید روکه تماشاچیان اون رو بهش هدیه داده بودند به استادش تقدیم کرد و از صحنه خارج شد
Y در نهایت اون دسته گل نصیب استاد فراز شد ؟

Farsi 20 c

بعد از تموم شدن تکنوازی تار فراز که چشمش از خوشحالی برق میزد اون دسته گل رز سفید روکه تماشاچیان بهش هدیه داده بودند به استادش تقدیم کرد و از صحنه خارج شد
Y در نهایت اون دسته گل نصیب استاد فراز شد ؟

Farsi 20 d

بعد از تموم شدن تکنوازی تار فراز که چشمش از خوشحالی برق میزد اون دسته گل رز سفید روکه تماشاچیان اون رو بهش هدیه داده بودند به استادش تقدیم کرد و از صحنه خارج شد
Y در نهایت اون دسته گل نصیب استاد فراز شد ؟

Bad az	Tamoom Shodan-e	Taknavazi-ye	tar	faraz	ke	Cheshm-a-sh	az	Khoshhal-i
after	Finish-EZ	Solo-EZ	tar	faraz	who	Eye-PL-3S.PC	from	Happy-NOM
After the Taar solo, Faraz whose eyes were shining of joy dedicated to his professor that white rose bucket which the audiece has dedicated to him, and left the stage.								

bargh	mi-zad-	un	Daste	Gol-e	Roz-e	sefid	ro	ke	Tamashachi-an
shine	DUR-did-3S	that	Bucket	flower-EZ	Rose-EZ	white	OM	that	Aoudience-PL

uno	Beh-esh	hedye	Dad-e	Bood-and	be	Ostad-esh	taghdim	kard	va
that	To-3S.PC	gift	Gave-EZ	Has-3PL	to	Maestro-3S.PC	dedicate	Did-3S	and

az	sahne	kharej	Shod
from	stage	out	Became-3S

Farsi 21 a

کارگر رستوران گربه ی گرسنه رو بغل کرد و طوری که کسی متوجه نشه به آشپزخونه برد و بهش یه تیکه استیک داد
Y کسی نفهمید که اون کارگر گربه رو آورد تو آشپز. _خونه ؟

Farsi 21 b

کارگر رستوران گربه ی گرسنه رو بغل کرد و طوری که کسی متوجه نشه اونو به آشپزخونه برد و بهش یه تیکه استیک داد
Y کسی نفهمید که اون کارگر گربه رو آورد تو آشپز. _خونه ؟

Farsi 21 c

کارگر رستوران گربه ی گرسنه رو که کنار در نشسته بود بغل کرد و طوری که کسی متوجه نشه به آشپزخونه برد و بهش یه تیکه استیک داد
N یه مشتری دید که که اون کارگر گربه رو آورد تو آشپز. _خونه ؟

Farsi 21 d

کارگر رستوران گربه ی گرسنه رو که کنار در نشسته بود بغل کرد و طوری که کسی متوجه نشه اونو به آشپزخونه برد و بهش یه تیکه استیک داد
N یه مشتری دید که که اون کارگر گربه رو آورد تو آشپز. _خونه ؟

Kargar-e	resturan	Gorbe-ye	gorosne	ro	ke	Kenar-e	dar	Neshast-e	Bood-
Worker-EZ	restaurant	Cat-EZ	hungry	OM	that	Near-EZ	door	Sat-3S	Was-3S
Resturant's worker hold the hungry cat which was sitting next to the door and took it to the kitchen in a way that nobody noticed and gave it a slice of steak.									

Baghal	kard	va	tori	ke	Kas-i	motevajeh	nashe	uno	be
hold	Did-3S	and	such	that	Nobody-NOM	notice	ENG-be-3S	that	to

ashpazkhoone	bord	va	Beh-esh	ye	tike	esteyk	Dad-
kitchen	took	and	To-3S.PC	a	piece	steak	Gave-3S

Farsi 22 a

روز عقد اردشیر و سپیده عروس و داماد اون گردنبد طلا روکه از یه مغازه تو خیابون کریمخان خریده بودند به مادر عروس هدیه دادن و همه رو شگفت زده _ کردن
 Y مادر عروس روز عقد یه گردنبد هدیه _ گرفت ؟

Farsi 22 b

روز عقد اردشیر و سپیده عروس و داماد اون گردنبد طلا روکه اونو از یه مغازه تو خیابون کریمخان خریده بودند به مادر عروس هدیه دادن و همه رو شگفت زده _ کردن
 Y مادر عروس روز عقد یه گردنبد هدیه _ گرفت ؟

Farsi 22 c

روز عقد اردشیر و سپیده عروس و داماد اون گردنبد طلا روکه یک هفته پیش از یه مغازه تو خیابون کریمخان خریده بودند به مادر عروس هدیه دادن و همه رو شگفت زده _ کردن
 N مادر عروس یه هفته بعد از عقد یه گردنبد هدیه _ گرفت ؟

Farsi 22 d

روز عقد اردشیر و سپیده عروس و داماد اون گردنبد طلا روکه یک هفته پیش اونو از یه مغازه تو خیابون کریمخان خریده بودند به مادر عروس هدیه دادن و همه رو شگفت زده _ کردن
 N مادر عروس یه هفته بعد از عقد یه گردنبد هدیه _ گرفت ؟

Roos-e	Aghd-e	ardeshir	va	sepide	aroos	va	damad	un	Gardanband-e
Day-EZ	Wedding-EZ	ardeshir	and	sepide	bride	and	groom	that	Necklace-EZ
On Ardeshtir and Sepideh's wedding, the bride and the groom gifted that gold necklace which they have bought from Karimkhan Ave. to the bride's mother and made everybody astonished.									

Tala	ro	ke	yek	hafte	pish	uno	az	ye	maghaze
Gold	OM	that	one	week	ago	that	from	one	shop

too	Khiaboon-e	karimkhan	Kharid-e	Bood-and	Be	Madar-e	aroos	hedye	dadand
in	Street-EZ	karimkhan	Bought-EZ	Was-3PL	To	Mother-EZ	bride	gift	Gave-3PL

Va	hame	ro	shegetzade	kardand
and	everybody	OM	astonished	Did-3PL

Farsi 23 a

دیروز ارغوان اون انگشتی رو که نامزدش بهش هدیه داده بود به من نشون داد ولی به تبسم چیزی _ نگفت
Y تبسم هنوز انگشتی جدید ارغوان رو _ ندیده ؟

Farsi 23 b

دیروز ارغوان اون انگشتی رو که نامزدش اونو بهش هدیه داده بود به من نشون داد ولی به تبسم چیزی _ نگفت
Y تبسم هنوز انگشتی جدید ارغوان رو _ ندیده ؟

Farsi 23 c

دیروز ارغوان وقتی منو تو دانشگاه دید اون انگشتی رو که نامزدش بهش هدیه داده بود به من نشون داد ولی به تبسم چیزی _ نگفت
N من هنوز انگشتی جدید ارغوان رو _ ندیده ام ؟

Farsi 23 d

دیروز ارغوان وقتی منو تو دانشگاه دید اون انگشتی رو که نامزدش او نو بهش هدیه داده بود به من نشون داد ولی به تبسم چیزی _ نگفت
N من هنوز انگشتی جدید ارغوان رو _ ندیده ام ؟

dirooz	arghavan	vaghti	Man-o	tu	daneshgah	did	un	Angoshtar-i	ro
yesterday	arghavan	when	I-OM	in	university	Saw-3S	that	Ring-IND	OM

ke	Namzad-esh	uno	Beh-esh	hedye	Dade	bood	be	man	Neshoon
which	Fiancé-3S.PC	that	To-3S.PC	gift	Gave-3S	Was-3S	to	me	show

dad	vali	be	tabasom	Chiz-i	Na-goft
Did-3S	but	to	tabasom	Something-IND	NEG.said-3S

Farsi 24 a

دو روز پیش هلیا اون کفشهای قرمزی روکه تازه خریده بود به دختر نگهبان هدیه داد ولی نداشت پدرش چیزی
 _ بفهمه
 N هلیا این روزها چیزی به دختر نگهبان _ نداده ؟

Farsi 24 b

دو روز پیش هلیا اون کفشهای قرمزی روکه تازه اونها رو خریده بود به دختر نگهبان هدیه داد ولی نداشت
 پدرش چیزی _ بفهمه
 N هلیا این روزها چیزی به دختر نگهبان _ نداده ؟

Farsi 24 c

دو روز پیش هلیا همون دختری که پدرش استاد دانشگاه اون کفشهای قرمزی روکه تازه خریده بود به دختر
 نگهبان هدیه داد ولی نداشت پدرش چیزی _ بفهمه
 N هلیا چند روز پیش به کت و دامن به دختر نگهبان _ داد ؟

Farsi 24 d

دو روز پیش هلیا همون دختری که پدرش استاد دانشگاه اون کفشهای قرمزی روکه تازه خریده بود به دختر
 نگهبان هدیه داد ولی نداشت پدرش چیزی _ بفهمه
 N هلیا چند روز پیش به کت و دامن به دختر نگهبان _ داد ؟

do	Rooz -e	pis h	helia	hamoo n	Dokhtar -i	ke	Pedar- esh	Ostad-e	Daneshgah -e
two	Day- EZ	ago	Heli a	The very	Girl- IND	that	Father -3S.PC	Lecturer -EZ	University- EZ
Two days ago, Helia, the girl whose father is a university lecturer gifted those red shoes which has recently bought them to the gate keeper's daughter, but did not let her father know about it.									

un	Kafsh- ha-ye	Ghermez- i	ro	ke	taze	Kharid- e	bood	be	Dokhtar-e
that	Shoe- PL-EZ	Red-IND	OM	that	recently	Bought- 3S	Has- 3S	to	Doughter- EZ

negahban	hedye	dad	vali	Na- zasht	Pedar- esh	Chiz-i	Be-fahm-e
Gate keeperr	gift	Gave- 3S	but	NEG- let-3S	Father- 3S.PC	Something- IND	IMP- Understand- 3S

Appendix Three:

The filler sentences and their true/false statements

filler 01 -

آرش در رو باز کرد ولی نرفت تو انگار منتظر کسی . _ بود
N آرش زنگ زد تا برادرش در رو براش باز کنه ؟

filler 02 -

ساسان گفت که با ما به سینما نمیداد ولی نگفت میخواد کجا . _ بره
N ساسان همراه ما اومد سینما ؟

filler 03 -

پدرام با خونسردی از خواهرم پرسید که چرا انقدر دیر کرده
N پدرام با عصبانیت تمام از خواهرم پرسید تا حالا کجا بوده ؟

filler 04 -

مغازه داری که تو فرش رو ازش خریدی خیلی چرند بهم . _ بافت
Y به نظرم اون مغازه دار مرد متقلبی بود ؟

filler 05 -

سازی رو که گفتم پدرم خریده صدای خیلی شفاف و بلندی . _ داره
N صدای ساز پدرم خیلی گرفته است انگار از ته چاه در میاد ؟

filler 06 -

گربه سفیده که امروز بهش شیر دادم همونی بود که تازه دیروز سه تا بچه . _ زاییده
N من امروز فقط به یکی از بچه گربه ها غذا دادم فقط همین ؟

filler 07 -

وقتی که استاد وارد شد همه کف زدند و خوشحالی شون رو ابراز . _ کردند
N استاد که اومد تو هیچ کدوم از دانشجوها خوشحال نشدند ؟

filler 08 -

هر وقت که صدای تیر میاد خواهرم از ترس از جاش . _ میپره
Y صدای تیر خواهرم رو خیلی میترسونه ؟

filler 09 -

بعد از اینکه شام خوردی و تلویزیون تماشا کردی به من تلفن . _ بزنی
N ازش خواستم که حتما قبل از شام به زنگ به من بزنی ؟

filler 10 -

همونطور که بهت نشون دادم قلم رو بگیر و گرنه موفق نمیشی حتی به کلمه هم . _ بنویسی
N من اصلا اصراری ندارم که تو قلم رو درست تو دستت بگیری ؟

filler 11 -

وقتی برنامه شروع شد عینکم رو زدم تا بتونم بهتر ._ ببینم
Y من بدون عینک خیلی خوب نمیبینم ؟

filler 12 -

پدرم مهین رو فرستاد به بقالی که ماست بخره ولی یادش رفت بهش بگه کالباس هم ._ بخر
N من به مهین گفتم برو از سر کوچه به نون بگیر ؟

filler 13 -

چقدر حیف شد نیکو دیروز به خاطر سردرد شدید به کنسرت نرفت و خونه ._ موند
Y دیروز حال نیکو اصلاً خوب نبود ؟

filler 14 -

من شک ندارم که اگه باهم کار کنیم زود تموم میشه ولی حیف که تو اصلاً اهل کار گروهی ._ نیستی
Y من مجبورم تنهایی کار کنم چون طرف مقابلم اهل کار گروهی نیست ؟

filler 15 -

چنانچه فرصت دارید توصیه میکنم حتما تبریز هم برید چون خیلی شهر ._ قشنگیه
N من اصلاً از تبریز خوشم نمیاد حتی به جای دیدنی هم نداره ؟

filler 16 -

یه وقت یادت نره کلید رو بهش نده مگه اینکه پول رو بهت ._ بده
N اصلاً فرقی نمیکنه که چه وقت کلید رو بهش بدی ؟

filler 17 -

تا شام نخوری دسر بهت نمیدم پس اگه دسر میخوای زودتر غذا تو تموم ._ کن
Y قانون خونه ما اینه اول شام بعدش دسر ؟

filler 18 -

تا چند روز فقط تمیزکاری کردیم ولی هنوز هم کلی کار باقی ._ مونده
Y با اینکه کلی زحمت کشیدیم هنوز همء کارها تموم نشده ؟

filler 19 -

در اثر گردباد چندین درخت از ریشه کنده شد ولی خوشبختانه به کسی صدمه جدی ._ نخورد
N در اثر گردباد فقط چندتا ماشین چپه شد ؟

filler 20 -

انقدر که تو ورزش میکنی من ._ نمیکنم
N ما به اندازه هم ورزش میکنیم ؟

filler 21 -

کیارش در اثر خندیدن دل درد گرفت و از این بابت مادرش رو خیلی نگران ._ کرد
N مادر کیارش اصلاً به پسرش توجه نمیکنه ؟

filler 22 -

دارم رادیو رو خاموش میکنم تا اینکه بتونم ._ بخوابم
Y من نمیتونم با سر و صدا بخوابم ؟

filler 23 -

رادیو رو کم میکنم تا اینکه بتونی درس بخونی
Y میدونم که با سرو صدا نمیتونی درس بخونی؟

filler 24 -
اگه میموندی خونه من هم میموندم اونوقت با هم ظرفها رو میشستیم
Y کسی خونه نموند که ظرفها رو بشوره؟

filler 25 -
سیاوش همیشه در اثر کم خوابیدن سردرد میگیره و تقریباً همیشه کیل
N من ندیدم تا حالا سیاوش سرش درد بگیره؟

filler 26 -
اون مرد قد بلند که موهایش مشکیه استادمه همون استادی که پیشش طراحی چهره کار میکنم
N من پیش اون استاد قدبلند تار یاد میگیرم؟

filler 27 -
بالینکه گردنبند مهتاب اصل نیست ولی خیلی قشنگ
N من اصلاً از گردنبند مهتاب خوشم نیامد؟

filler 28 -
راستی یادم رفت بهت بگم که پسر خاله شوهرم بالاخره شهردار سنج شد
N من تازگیها از پسر خاله شوهرم هیچ خبری ندارم؟

filler 29 -
از کوچه صدای بلندی شنیدم رفتم ببینم که چه خبره محکم خوردم زمین پام شکست
Y بالاخره فضولی کار دستم داد؟

filler 30 -
سهیل بلیتها رو داد به من ولی من یادم نمیاد کجا گذاشتمشون و دارم دیوانه میشم
Y من بلیتها رو گم کرده ام؟

filler 31 -
عمو سعید و خانوادش فردا میرن همدان ولی ما باهاشون نمیریم چون ماشینشون جا نداره
Y اگه ماشین عمو سعید بزرگتر بود ما هم باهاشون میرفتیم؟

filler 32 -
پدر مستانه تو دانشگاه کار میکنه ولی استاد نیست
N مادر مستانه استاد دانشگاه؟

filler 33 -
با کلی قرض برای دخترم یه پیانو خریدم به امید اینکه اون هم یه هنری یاد بگیره
Y با هزار امید و آرزو برای دخترم یه پیانو خریدم؟

filler 34 -
کفشهای رو از کجا گرفتی خیلی قشنگ
Y به نظرم کفشهای خیلی قشنگ بودن؟

filler 35 -
پری تا دیروز خیلی ناراحت بود که چرا از درس هندسه نمره نیآورده ولی امروز حالش بهتر شده
N امروز حال پری حتی از دیروز هم بدتره؟

filler 36 -

جمشید هم به اندازه من نگران که بالاخره فردا چی ؟_ میشه
Y هم من و هم جمشید هر دو نگران هستیم ؟

filler 37 -

شهرام من و سیمین رو توی مغازه دید ولی حتی سلام هم ._ نکرد
Y شهرام نه به من و نه به سیمین سلام نکرد ؟

filler 38 -

حمید بالاخره گلها رو برای خانومش خرید و کفشها رو برای ._ خواهرش
Y حمید کفشها رو برای خواهرش خرید و گلها رو برای همسرش ؟

filler 39 -

پرهام بالاخره دیروز به زور به لیوان شیر گرم رو تا آخرش ._ خورد
Y پرهام از شیر گرم خوشش نمیاد ؟

filler 40 -

همون بشقابی رو که مادرم دوست داشت امروز صبح شبنم شکست ولی هنوز مادرم چیزی ._ نفهمیده
N اون بشقاب امروز از دست مادرم افتاد و شکست ؟

filler 41 -

مادرم خیلی جدی از پدرم پرسید که بالاخره اتاق رو تمیز کرده یا ._ نه
Y قرار بود که پدرم اتاق رو تمیز کنه ؟

filler 42 -

کلید رو دادم به پونه و با عجله از پله آمد پایین و رفتم ._ اداره
Y الان هنوز باید کلید پیش پونه باشه ؟

filler 43 -

باینکه اصلاً قصد خرید کردن نداشتم از فروشنده پرسیدم اون تلویزیون ._ چنده
N من به قصد خرید از خونه رفته بودم بیرون ؟

filler 44 -

یادمه که دیروز کیفم رو گذاشتم روی میز ولی امروز هرچی میگردم پیداش نمیکم احتمالاً یکی جابجاش ._ کرده
Y نمیدونم الان کیفم کجاست ؟

filler 45 -

متأسفانه هفته پیش اون مرد رو که شعار مینوشت پیدا کردن و گرفتنش ولی خوشبختانه سوسن گفت که دیروز
آزادش ._ کردن
Y به گفته سوسن دیروز اون مرد رو آزاد کردن ؟

filler 46 -

هرکی در رو بست قفلش ._ نکرد
Y یه نفر در رو بسته ولی اون رو قفل نکرده ؟

filler 47 -

بالاخره فیلمی رو که همه دوست داشتند ندیدم ولی در عوض با دوستم رفتیم دیدن استاد ادبیات دوره ._ لیسانس
Y فیلم رو ندیدم ولی در عوض رفتیم دیدن استاد ادبیات دانشگاه ؟

filler 48 -

فکر نمیکنم که فریدامشب بیاد اما شاید فردا پیداش . _ شد
Y امشب که نه ولی شاید فردا فرید بیاد ؟

filler 49 -

به نظرم مهسا دوتا دیکشنری خرید دوتا کتاب شعر و یه بسته . _ مدارنگی
Y من ندیدم که مهسا کارت پستال بخره ؟

filler 50 -

افراز فقط گفت هر دوتا دختر دانشجو هستند و تو کتابخونهء دانشگاه هم . _ کار میکنند
N افراز راجع به چندوچون کار اون دانشجوها هم توضیح داد ؟

filler 51 -

رفتم شنا ولی هوا سرد بود و من . _ سرماخوردم
N هوا خیلی گرم بود من رفتم شنا ؟

filler 52 -

دوتا صندلی تو اتاق بود و روی هر کدوم یه بالشِت توری . _ بود
N دوتا صندلی تو اتاق بود که روی یه دونش یه بالشِت توری بود ؟

filler 53 -

بردیا میخواست با غزل ازدواج کنه ولی پدر و مادرش شدیداً مخالف این قضیه . _ بودند
N پدر و مادر بردیا با ازدواج پسرشون با غزل موافق بودند ؟

filler 54 -

میتونیم اینجا بمونیم یا میتونیم بریم دیدن مادر بزرگ که . _ بیمارستانه
N حتماً و حتماً الان باید بریم دیدن مادر بزرگ ؟

filler 55 -

نه تنها دخترخاله بیتیبت بلکه پررو هم . _ هست
N من از رفتار دخترخاله خیلی خوشم میاد ؟

filler 56 -

هم من و هم برادر ام پرا رو خیلی دوست داریم و امسال تا حالا سیزده بار رفتیم . _ پرا
N من با اینکه پرا رو خیلی دوست دارم امسال تا حالا دوبار بیشتر نرفتم پرا ؟

filler 57 -

کتابیون جعبهء ابزار و همهء کتابها و چمدونها رو داد به کیوان که بیاره تو . _ حیاط
Y کتابیون داره به کیوان کمک میکنه وسایل رو بیارن تو حیاط ؟

filler 58 -

مهسا در رو باز کرد و رفت بیرون ولی یادش رفت که چترش رو هم باخودش . _ ببره

Y مه‌رسا از خونه رفته بیرون ؟

- # filler 59

حنانه آروم و لبخند زنان اومد تو و مستقیم رفت تو اتاق پدرش که هنوز چراغش روشن . _ بود
Y حنانه بلافاصله رفت تو اتاق پدرش ؟

- # filler 60

شب‌نم کتاب داستان میخوند و شایان روزنامه بااینکه هردوتاشون فردا امتحان . _ داشتند
Y من ندیدم که شب‌نم و شایان درس بخوند ؟